

# مجموعه مباحث اخلاقی

## جز تکیه بر آستان دوست چه راهی در پیش روست؟

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

شماره: ۴۰

۲۷ ربیع الأول ۱۴۲۷

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين  
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

« يا من إذا سأله عبدٌ أعطاه وإذا أمّل ما عنده بلّغهُ مناه وإذا أقبلَ عليه  
قرّبهُ وأدناه وإذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبيه وعطاه وإذا توكل عليه أحسبه  
وكفاهُ » .

### فلاصه بمت گذشته

جلسه قبل بطور مبسوط پیرامون عبارت « إذا توكل عليه أحسبه وكفاه »  
سخن گفتیم . عرض شد که توکل عبارتست از واگذاری امور به مالک اصلی و  
اتکال بر وکالت او و اظهار عجز و ناتوانی از ناحیه موکل نسبت به اتیان امور  
اعمّ از مادی و معنوی . همچنین با استفاده از آیه کریمه ﴿ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
الْمُؤْمِنُونَ ﴾<sup>(۱)</sup> و روایات روشن ساختیم که ثمره و میوه ایمان توکل است . به  
عبارت دیگر غیر مومن نمی تواند متوکل باشد همانطور که مومن نمی تواند غیر

۱ - سوره آل عمران ، آیه ۱۲۲ .

متوکل باشد. نیز در توضیح علت توکل، گفتیم که واگذاری امور از ناحیه عاجز به قوی و از ناحیه ضعیف به اقوی یک ضرورت عقلی است. از طرف دیگر همه می‌دانیم که هیچ قدرتی بالاتر و قوی‌تر از قدرت لا یزال الهی نمی‌باشد، لذا عاقلانه‌ترین کار این است که جوینده کمال امور خود را به عالم‌ترین و قادرترین موجود، که رب العالمین است، بسپارد.

### توکل و قضا الهی

اینکه مجاری همهٔ امور به ید الله است و عبد هیچ قدرتی در مقابل قدرت الهیه ندارد و همهٔ امور تحت قضا و قدر اوست از بدیهیات است. اما اعتقاد به قضا و قدر در کنار مفهوم توکل به معنای تعطیل کردن تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف، نمی‌باشد. بر اساس تفکر معتقد به قضا و قدر بین تلاش و کوششهای انسانی و رسیدن به اهداف رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. یعنی اگر دستیابی به اهداف و امیال ما از قضای الهی گذشته باشد، کوشش و سعی ما ثمر می‌دهد. اما اگر دستیابی به اهداف از قضا و تقدیر الهی نگذشته باشد، تلاشهای ما بی ثمر خواهد بود. نباید فراموش کرد که برای رسیدن به هر هدفی متناسب با نوع عمل باید به اسباب و وسایل خاص توکل جست.

« أُنْبِيَّ اللَّهِ أَنْ يَجْرِي الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ » (۱)

خداوند از انجام امور، بدون استفاده از اسباب و وسایل خودداری می‌کند! به هر حال که اسباب و وسایل، جایگاه خاص خود را دارا می‌باشد اما با لحاظ مفهوم توکل، باید در نظر داشت که مسبب الاسباب خداوند است. تا او نخواهد هیچ سببی اثر نخواهد داشت. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

« إِنَّ الْعِزَّ وَالْغِنَى خِرَجَا يَجُولَانِ ، فَلَقِيَا التَّوَكَّلَ فَاسْتَوَطْنَا » .

همانا عزت و بی‌نیازی در حال گردش و جولان بودند، هنگامیکه با توکل برخورد کردند در آنجا که توکل وجود داشت، مسکن گزیدند.

عزت و غنای واقعی، هنگامی که توکل وجود نداشته باشد، غیر ممکن است. اگر انسان تمام اسباب و وسایل عزت مندی را فراهم نماید، اما توکل نداشته باشد به هدف خود نخواهد رسید. در خصوص غنا هم به همین صورت است. اگر تلاش و کوشش انسان منهای توکل باشد، جز تعب و رنج چیزی عاید انسان نخواهد شد. به عبارت دیگر فعالیت بدون حضور خدا حاصلی جز رنج و پوچی برای انسان ندارد.

در روایت دیگری، راوی از حضرت امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام در خصوص آیه‌ای سوال می‌کند.

قال : سألته عن قول الله عز وجل ﴿ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

۱- اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۸۳.

حَسْبُهُ ﴿١﴾ فقال : « التوكل على الله درجات منها ان تتوكل في أمورك كلها ، فما فعل بك كنت عنه راضياً ، تعلم أنه لا يألوك خيراً وفضلاً وتعلم أن الحكم في ذلك له ، فتوكل على الله بتفويض ذلك إليه و ثق به فيها وفي غيرها » (٢) .

راوی از امام علیه السلام در خصوص آیه شریفه که می فرماید : هر کس بر خدا توکل کند ، کفایت امرش را می کند . سوال نمود . حضرت فرمودند : توکل بر خداوند ، دارای درجات و مراتبی است . یکی از این مراتب آن است که انسان در تمام امور خود به خداوند توکل نماید ، به گونه ای که در تمام شرایط که خداوند برای انسان به وجود می آورد ، انسان از خداوند راضی و خشنود باشد . مرتبه دیگر آن است که انسان بداند که اگر هیچ خیر و فضلی به انسان نرسد ، فرمانش نزد خداوند تبارک و تعالی است . پس توکل کن بر خداوند با واگذاری تمام امور به او و در تمامی مسائل ، به خداوند اطمینان داشته باش .

### توکل و تفویض

یکی از مطالبی که می توان از روایت بالا استفاده کرد ، مقایسه دو مفهوم توکل و تفویض است . همانطور که در جلسه قبل اشاره شد ، توکل ، تفویض ،

۱ - سوره طلاق ، آیه ۳ .

۲ - اصول کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۶۵ .

ثقه و تسلیم از مراتب ده گانه سلوک ، در مرتبه معاملات است .

در توکل موکل به وکیل می گوید : تمام اختیارات ، سلطه و سلطان خود را به تو واگذار می کنم . اما در تفویض ، مفوض به این باور و اعتقاد رسیده است که هیچ چیز ندارد . کسی که مرتبه تفویض رسیده است ، می گوید : من هیچ سلطان و اختیاری ندارم ، هر چه هست از آن خداوند است ،

﴿ أَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴾ (۱) .

من کار خود را به خداوند واگذار می کنم که خداوند ، نسبت به بندگانش بینا است .

تفویض مرتبه بالایی است که در آن ، انسان می پذیرد که مالک هیچ چیز نیست و هر چه هست در کنف اختیار اوست . او سمیع و بصیری است که گردش امور و سر نوشت همگان را در دست دارد . اغلب توکل بعد از وقوع حادثه و سبب می باشد ، اما تفویض قبل از وقوع هر سبب و حادثه ای است . در مشکلات و گرفتاری ها انسان با توکل به خدا وارد میدان مبارزه با مصائب می گردد . اما در تفویض ، انسان قبل از حادثه و مشکل ، درک کرده و به این باور رسیده است که هیچ چیز قدرت و اصالت ندارد ، جز قدرت مطلقه الهی . علیرغم تأکید بر بی قدرت بودن انسان و ایمن نبودن هیچ قدرت انسانی از آفات ، اما در کنار این خوف و بیم ، انسان به امید و رجاء نیز سفارش

۱ - سوره غافر ، آیه ۴۴ .

شده است. به عبارت دیگر در کنار تمام خطرات و مکر و حيله‌ها نبايد از کمک و حمايت الهی نیز مأیوس گردید. خداوند می‌فرماید:

﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾ (۱) ﴿وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ﴾ (۲).

از رحمت خداوند ناامید نباشید.

یأس از رحمت و روح خداوند از علائم کفر به شمار رفته است.

به عبارت روشن‌تر تأیید اسباب و وسایل در مورد هر مسئله‌ای با قدرت الهی است. تا زمانی که خداوند اراده نکند آتش قدرت سوزاندن ندارد. همانگونه که در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام آتش به اراده خداوند سرد و بی اثر گردید.

بارکشی از کوچه‌ای عبور می‌کرد دید کودکی از بلندی در حال سقوط است. کودک بین زمین و آسمان بود که بارکش گفت: بمان! کودک در همان جا (بین زمین و آسمان) متوقف شد. او باری را که به پشت می‌کشید بر زمین گذاشت، و کودک را از میان هوا و زمین گرفت. جاذبه زمین به اراده الهی در آن لحظه برای آن کودک بی اثر گردید. مردم ره‌گذر که این صحنه را دیدند دور او را گرفتند. به او گفتند تو کیستی که چنین مقام و کرامتی داری؟ او گفت: من باربری معمول و ساده هستم که هر روز در این کوچه کار

۱ - سوره زمر، آیه ۵۳.

۲ - سوره یوسف، آیه ۸۷.



می‌کنم و بارها را جا به جا می‌کنم. از او سوال کردند که چگونه به این مقام رسیدی؟ گفت: یک عمر است که خدا هر چه دستور داده است من اطاعت کرده‌ام حالا من یک بار از او چیزی خواستم و او اجابت کرد.

در مورد داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام مرحوم شیخ طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه شریفه،

﴿ قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴾ (۱).

گفت: مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم.

روایتی را نقل می‌کند،

« قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رحم الله أخي يوسف لو لم يقل إجعلني على

خزائن الأرض، لولاه من ساعته ولكن أخر ذلك سنة» (۲).

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: برادرم یوسف را رحمت کند. اگر او (آن هنگام که عزیز مصر به او گفت: در برابر قحطی چه باید کرد؟) نگفته بود. مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده. مقدر بود در همان زمان عزیز مصر شود، اما این گفته او این امر را یکسال به تأخیر انداخت.

عزیز مصر بعد از دیدن خوابی که کسی نتوانست تعبیر کند به سراغ یوسف رفت، یوسف خواب را تعبیر کرد و به آنها خبر داد که بعد از هفت

۱ - سوره یوسف، آیه ۵۵.

۲ - تفسیر مجمع البیان، جلد ۵، صفحه ۴۱۹.

سال کشت و کار و وجود نعمت و محصول فراوان هفت سال دچار قحطی خواهند شد. عزیز مصر گفت: چه باید کرد؟ یوسف گفت: سرپرستی این امر مهم را به من واگذر کن. در واقع یک لحظه غفلت از خداوند و توجه به غیر خداوند، یکسال امر او را به تأخیر انداخت.

نمونه دیگری که در آن غفلت از خداوند و عدم توکل به او باعث محرومیت برای حضرت یوسف علیه السلام گردید، زمانی بود که همراهان زندانی او در حال آزادی از زندان بودند. او به یکی از آنها گفت تو آزاد می شوی و نزد سلطان، صاحب مقام خواهی شد. در آن هنگام به سلطان امر مرا متذکر شو و به او بگو که یک زندانی بی گناه در زندان به سر می برد. در تفسیر عیاشی ذیل آیه شریفه،

﴿ اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ ﴾ (۱).

مرا نزد صاحب خود (سلطان مصر) یاد آوری کن.

روایت جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است. امام علیه السلام می فرمایند:

در آن هنگام که یوسف به غیر خداوند امیدوار گردید،

« فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى يَوْسُفَ فِي سَاعَتِهِ تِلْكَ : مَنْ أَرَاكَ الرَّؤْيَا الَّتِي رَأَيْتَهَا ؟

قال : أنت يا ربِّي ، قال : فَمَنْ حَبَّبَكَ إِلَى أَبِيكَ ؟ قال : أنت يا ربِّي ، قال :

فَمَنْ وَجَّهَ السَّيَّارَةَ إِلَيْكَ ؟ فقال : أنت يا ربِّي ، قال : فَمَنْ عَلَّمَكَ الدَّعَاءَ

۱ - سوره یوسف، آیه ۴۲.

الَّذِي دَعَوْتُ بِهِ حَتَّىٰ جَعَلَ لَكَ مِنَ الْجَبِّ فِرْجًا؟ قَالَ: أَنْتَ يَا رَبِّي،  
 قَالَ: فَمَنْ جَعَلَ لَكَ مِنْ كَيْدِ الْمَرْأَةِ مَخْرَجًا؟ قَالَ: أَنْتَ يَا رَبِّي، قَالَ:  
 فَمَنْ أَنْطَقَ لِسَانَ الصَّبِيِّ بِعُذْرِكَ؟ قَالَ: أَنْتَ يَا رَبِّي، قَالَ: فَمَنْ صَرَفَ  
 عَنْكَ كَيْدَ امْرَأَةِ الْعَزِيزِ وَالنَّسْوَةَ؟ قَالَ أَنْتَ يَا رَبِّي، قَالَ: فَمَنْ أَلْهَمَكَ  
 تَأْوِيلَ الرُّؤْيَا؟ قَالَ: أَنْتَ يَا رَبِّي، قَالَ: فَكَيْفَ اسْتَعْتَمْتُ بِغَيْرِي، وَلَمْ  
 تَسْتَعِثْ بِي، وَتَسْأَلْنِي أَنْ أُخْرَجَكَ مِنَ السِّجْنِ، وَاسْتَعْتَمْتُ وَأَمَلْتُ  
 عَبْدًا مِنْ عِبَادِي، لِيَذْكُرَكَ إِلَىٰ مَخْلُوقٍ مِنْ خَلْقِي فِي قَبْضَتِي، وَلَمْ  
 تَفْزَعْ إِلَيَّ؟ الْبَيْتُ فِي السِّجْنِ بِذَنْبِكَ بَضْعُ سَنِينَ، بِإِسْرَائِكَ عَبْدًا إِلَىٰ  
 عَبْدٍ» (١).

در لحظه ایی که یوسف به غیر خدا امیدوار گشت، خداوند به او وحی نمود:  
 ای یوسف! چه کسی در عالم رؤیا به تو مطالبی را در کودکی نشان داد؟  
 یوسف گفت: تو ای پروردگار من، گفت: چه کسی تو را نزد پدر گرامی  
 داشت؟ یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: چه کسی کاروان را به  
 سوی تو رهنمون شد؟ یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: چه کسی  
 به تو دعای خلاصی از چاهی که به آن گرفتار شده بودی را آموزش داد؟  
 یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: چه کسی تو را از دام زن خلاصی  
 بخشید؟ یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: چه کسی زبان کودک را

١ - تفسیر عیاشی جلد ٢، صفحه ١٧٦.

به بی گناهی تو گشود؟ یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: چه کسی تو را از دام همسر عزیز مصر و دیگر زنان رهایی بخشید؟ یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: چه کسی به تو تعبیر خواب را آموزش داد؟ یوسف گفت: تو ای پروردگار من!، گفت: پس چگونه در این هنگام کس دیگری را به یاری طلبیدی و از من کمک نخواستی، تا تو را از زندان خلاصی بخشم؟! تو به بنده‌ای از بندگان من دست کمک دراز نمودی و به او امید بستی، تا تو را نزد مخلوقی از خلائق من که او و دیگران همگی در کنف قدرت من هستند، یاد کند و در این حال به یاد من نبودی. پس بخاطر این گناه خود چند سال در زندان بمان. گناه تو ارسال بنده‌ای از بندگانم نزد بنده‌ای دیگر می‌باشد.

یوسف یک لحظه غفلت نمود و چندین سال دچار زندان گردید. نکته اساسی این است که انسان باید ایمان بیاورد که هیچ سلطه و قدرتی ندارد. اگر انسان اسباب و وسایل را هم فراهم نمود باید بداند این ابزار و اسباب هم بدون اراده خداوند فاقد ارزش می‌باشند و آن کارایی را که باید داشته باشند، نخواهند داشت.

به مباحث مجلس قبل باز می‌گردیم. بارها محضر آقایان عرض کرده‌ایم که آنچه خدمت دوستان عرض می‌کنیم، همان مرکوزات ذهنی آقایان است. امیدوار هستیم این یاد آوری برای مستمع و گوینده مفید فائده

باشد. در خصوص توکل از امیرالمؤمنین علیه السلام روایاتی را نقل و بررسی کردیم. امام علیه السلام در روایتی به عصارة کتب آسمانی قبلی اشاره دارد و در پایان روایت به توکل اشاره می‌کنند.

امام علیه السلام می‌فرماید:

« قرأت التّورات والإنجیل والزّبور والفرقان فَخَيْرٌ مِن كُلِّ كِتَابٍ  
كَلِمَةٌ مِنَ التّورات : مِن صَمْتِ نَجَا وَمِنَ الإنجیل : مِن قَنَعِ شَبَعٍ وَمِنَ  
الزّبور : مِن تَرَكَ الشّهوات فَقَد سَلِمَ عَنِ آلِفَاتِ وَمِنَ الفِرْقَانِ : وَمِنَ  
يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ » (۱).

تورات، انجیل، زبور و فرقان را خواندم. از هر کتابی کلمه‌ای را انتخاب نمودم. آنچه از تورات برگزیدم این است که: هر کس سکوت اختیار کرد، پیروز گردید. آنچه از انجیل انتخاب نمودم آن است که: هر کس قناعت پیشه کرد، همواره سیر و بی‌نیاز بود. آنچه از زبور برگزیدم آن بود که: هر کس امیال نفسانی را ترک کند، از آفات و بلاها گزندی به او نمی‌رسد. آنچه از فرقان انتخاب نمودم آن است که: هر کس بر خداوند توکل کند، کفایت امرش را می‌کند.

رزق و روزی بندگان مانند دیگر امور هستی به دست توانای خداوند است. شخصی پرنده کوچکی را دید که غذایی را برداشت و کنار سنگی رفت،

۱- جامع الاخبار صفحه ۲۱۵، فعل ۱۴۱.

در شکاف سنگ کرم کوری زندگی می‌کرد که این پرنده وسیلهٔ روزی رساندن این کرم کور بوده است.

بسیاری از انحرافات که در مسیر انتخابی خود به آن گرفتار می‌شویم، از عدم توکل نشأت می‌گیرد زیرا اصل مسیر انتخابی صحیح است. مسیر انتخابی ما تعلّم احکام و معارف الهی و ترویج و نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام است. اما آنچه بعضی مواقع باعث انحراف می‌گردد و ما را از ادامهٔ تحصیل باز می‌دارد و محروم می‌سازد وسوسه‌های رزق و قدرت و عزّت موهوم است.

آنچه ما آموخته‌ایم آن است که عزّت مؤمن در بی‌نیازی از آنچه در دست بندگان خداست، می‌باشد.

« شرف المؤمن قیام اللیل وعزّه استغناؤه عن الناس »<sup>(۱)</sup>.

شرف مومن در بیداری شب و شب زنده داری است و عزّت او در بی‌نیازی از خلق خداست.

بعضی از افاضل بعد از طّی مراتب عالی تحصیل و گاهی بعد از چندین سال حضور در دروس خارج و تلاش و مباحثه با وسوسهٔ رزق و یا دیگر مسائل از این مسیر جدا می‌شوند. این خطر بسیار جدّی است که بدنهٔ حوزه را تهدید می‌کند. زیرا تمامی شما عزیزان در حکم ذخیره‌ای هستید. من ایمان

۱- اصول کافی، جلد ۲ صفحهٔ ۱۴۸.

جازم دارم که هر یک از شما بزرگواران، سرمایه و اندوخته‌ای بسیار ارزشمند برای نشر معارف الهی هستید. اگر این مسیر را با توکل به خدا ادامه دهید، این سرمایه و ذخیره روزی به فعلیت می‌رسد و جامعه را به لحاظ نیازهای معنوی و فکری تأمین می‌کند. اگر میوه نارس از درخت بی‌موقع چیده شود، غیر قابل استفاده و بهره برداری خواهد بود. خروج فعلی هر یک از شما آقایان از حوزه و رها کردن تحصیل، مانند چیدن میوه‌ای نارس می‌ماند. آنچه از معارف الهی به دست ما رسیده حکایت از آن دارد که توکل در این مسیر و ثابت قدم بودن در پایان حاصلی شیرین برای کوشنده در مسیر تحصیل دارد.

«والسلام علیکم ورحمة الله برکاته»

۸۵/۲/۶

... بعضی از افاضل بعد از طیّ مراتب عالی تحصیل و گاهی بعد از چندین سال حضور در دروس خارج و تلاش و مباحثه با وسوسهٔ رزق و یا دیگر مسائل از این مسیر جدا می‌شوند. این خطر بسیار جدّی است که بدنهٔ حوزه را تهدید می‌کند. زیرا تمامی شما عزیزان در حکم ذخیره‌ای هستید. من ایمان جازم دارم که هر یک از شما بزرگواران، سرمایه و اندوخته‌ای بسیار ارزشمند برای نشر معارف الهی هستید. اگر این مسیر را با توکل به خدا ادامه دهید، این سرمایه و ذخیره روزی به فعلیت می‌رسد و جامعه را به لحاظ نیازهای معنوی و فکری تأمین می‌کند. اگر میوهٔ نارسایی از درخت بی‌موقع چیده شود، غیر قابل استفاده و بهره برداری خواهد بود. خروج فعلی هر یک از شما آقایان از حوزه و رها کردن تحصیل، مانند چیدن میوه‌ای نارس می‌ماند.

### محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹